



## احترام و تحمل یکدیگر سرچشمه وحدت و انسجام اسلامی است.

مصاحبه با مولوی محمد اسحاق مدنی

مصاحبه‌کننده: حامد رستمی نجف‌آبادی<sup>۱</sup>

### \* اشاره

مولوی محمد اسحاق مدنی از شخصیت‌های تقریبی و شناخته شده اهل سنت و از اساتید حوزه و دانشگاه می‌باشند. از جمله سوابق اجرایی ایشان عضویت در مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری می‌باشد. ایشان اکنون مشاور رئیس جمهوری در امور اهل سنت، رئیس شورای عالی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، رئیس شورای افتای اهل سنت بعثه مقام معظم رهبری و مدیر گروه فقه و حقوق حنفی دانشگاه مذاهب اسلامی می‌باشند، فرصتی دست داد تا گفتگویی با ایشان داشته باشیم، که تقدیم خوانندگان می‌گردد:

حبل‌المتین: جناب مولوی همان‌گونه که استحضار دارید در آغاز هفته وحدت قرار داریم و قاعدتاً عمده سئوالات و مباحث ما پیرامون موضوع وحدت اسلامی و مسائل جهان اسلام خواهد بود، اما قبل از ورود به این مباحث بهتر است، یک معرفی اجمالی از شما برای خوانندگان مجله حبل‌المتین داشته باشیم. با توجه به اینکه غالب مخاطبان ما طلاب و روحانیون مدارس علوم دینی اهل سنت می‌باشند، لطفاً از فرایند تحصیلی و فعالیت‌های علمی و پژوهشی خودتان بفرمایید؟

مدنی: بسم الله الرحمن الرحيم؛ با سلام و خسته نباشید خدمت شما و خوانندگان

محترم مجله حبل‌المتین، بنده همانند بقیه طلاب اهل سنت، کتاب‌های ابتدایی حوزوی را در شهرستان سراوان پیش روحانیون بزرگوار آن زمان خواندم، اگر چه علمای بزرگی در آن زمان بودند ولی واقعیت امر این است که حوزه‌های علمیه به مانند امروز که در جمهوری اسلامی ایران سطح بالایی دارند، این‌گونه نبود، یعنی یک طلبه نمی‌توانست آن چیزی را که به دنبالش بود به دست آورد. امروزه الحمدلله ما در تمام مناطق اهل سنت حوزه‌های علمیه خوبی داریم. در بعضی جاها انصافاً از سطح خیلی بالایی برخوردارند و طلابی که در آن حوزه‌ها فارغ التحصیل می‌شوند، همه نیازهایشان اعم از نیازهای علمی و معنویشان برطرف می‌شود. من هم همانند دیگر طلاب بنا بر ضرورت عازم پاکستان شدم و آنجا هم در دارالعلوم کراچی مشغول تحصیل شدم و از همان جا فارغ التحصیل شدم و قریب سه سال هم کتاب‌های ابتدایی را در همان حوزه علمیه به عنوان استاد تدریس کردم. بعد از آن فرصتی پیدا شد که مدت ۴ سال در جوار رسول گرامی اسلام در مدینه منوره تحصیلاتی داشته باشم، و سپس به ایران آمدم و اولین کاری که شروع کردم به عنوان دبیر عربی در آموزش و پرورش استخدام شدم. و پس از آن به عنوان نماینده مجلس در خدمت مردم بودم، هم‌چنین از بدو تأسیس با دانشگاه مذاهب اسلامی همکاری داشتم و با پذیرش اولین دوره دانشجو، به عنوان مدرس در دانشگاه مشغول به تدریس و تا کنون نیز این ارتباط و همکاری ادامه دارد.

اما از نظر تألیفات اوایل انقلاب بنا به تقاضای آموزش و پرورش برای دانش‌آموزان اهل سنت (حنفی و شافعی) با کمک جناب استاد مردوخ از کردستان کتاب‌هایی را مختصراً تدوین می‌کردیم. بعداً هم چیزهایی که حنفی‌ها در فقهشان از اقوال حضرت علی استدلال می‌کردند حتی المقدور جمع‌آوری و به عنوان کتاب تدوین کردم. البته چون افرادی که کار تایپ را انجام می‌دادند با زبان عربی آشنایی نداشتند، اغلاط زیادی در کتاب هست. و با وجود اغلاط تایپی و اغلاط متن، این کار، کاری ابتکاری بود و زمینه‌ای برای وحدت درست و حسابی، یعنی وحدتی که واقعاً بر خلاف آن چیزی که مشهود است که اهل سنت کمتر از اهل بیت روایت می‌کنند با خواندن این کتاب که بیشترش در مورد مسائل فقهی



است، متوجه می‌شوند که این‌طور نیست، چون در آن از کتب معتبر اهل سنت (خصوصاً فقه حنفی) استدلال شده و بعد از آن هم آن‌چه که تدریس می‌کردم، فقه احناف بود. در فقه کتاب‌های فقه حنفی یک و دو را نوشتم که آن هم از قاعده اغلاط مستثنی نیست ولی بنا هست که ان‌شاءالله دومرتبه تصحیح شود و با تصحیح جدید چاپ شود. این‌ها مواردی است که بنده نوشته‌ام و مورد استفاده قرار گرفته است، ولی با توجه به مشغله‌های دیگری که داشته‌ام و مهارت چندانی هم در تألیف ندارم بیشتر صحبت‌ها و مطالبم را به صورت سخنرانی عرضه می‌کنم. تقریباً می‌توان گفت که سخنرانی‌های در جلسات هفته وحدت و در جلسات دیگری که از اهمیت برخوردار بوده‌اند در داخل و خارج از کشور داشته‌ام و احياناً هم این صحبت‌ها در بعضی سایت‌ها نقل شده و با جستجو کردن نام بنده می‌توان متن صحبت‌ها را پیدا کرد که در زمینه‌های مختلف خصوصاً وحدت صحبت‌های زیادی داشته‌ام.

حبل‌المتین: جناب استاد، حضرت‌عالی یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌های سیاسی اهل سنت کشور هستید، که سال‌ها در جایگاه مهم مشاور ریاست جمهوری به کشور

و جامعه اهل سنت خدمت کرده‌اید، لطفاً بفرمایید چه برنامه‌ها و فعالیت‌هایی در حوزه فرهنگی، سیاسی و اجتماعی پیگیری می‌کردید و ثمرات آن چه بوده‌است؟

مدنی: خدمتگزار کوچکی بودم و عنوانی داشتم و فعالیت‌هایی که بنده در جایگاه مشاور انجام داده‌ام خصوصاً در اوایل ورود به این کار تقریباً سفر به اکثر نقاط کشور که اهل سنت در آن ساکن هستند داشته‌ام. یعنی خودم بدون آن که از طرف کسی دعوت شده باشم می‌رفتم و مطالبی در جلسات مطرح می‌کردم. قطعاً آنها نیز خواسته‌هایی داشتند که آنها را یادداشت می‌کردم و با رعایت امانت‌داری بدون این که خودم در آن دخل و تصرفی داشته باشم تحویل مسئولین امر می‌دادم. و اگر خدای نخواسته احياناً مسئله‌ای، حادثه‌ای یا چیزی در جایی مطرح می‌شد به همراه تحلیل‌هایی که باید می‌داشتم، آن مسئله را نیز تقدیم مقامات مسئول می‌کردم، البته اگر خود مسئولین امر هم نظری از من می‌خواستند قطعاً در آن زمینه هر آنچه که به نظر می‌رسید ارائه می‌نمودم و کوتاهی نمی‌کردم. این در واقع لب و لباب کارهایی است که بنده در آن زمان انجام داده‌ام که بیشتر بر محور صحبت کردن در مجالس مختلف، سخنرانی کردن در جاهای مختلف و روشن کردن مردم و منتقل کردن خواسته‌های آنها و مطالبی که اظهار می‌داشته‌اند و اگر مشاوره‌ای هم خواسته می‌شد که می‌شد آنها را هم با تحلیلی که خودم داشتم حتماً ارائه می‌کردم.

حبل‌المتین: جناب مولوی برای ورود به بحث وحدت و اتحاد امت اسلامی اولین مسئله‌ای که باید برای مسلمانان جا بیفتد مفهوم درست وحدت است چون در مقام ادعا هیچ‌کس منکر وحدت نیست اما در عمل برخی از شخصیت‌ها یا گروه‌ها از مذاهب مختلف سخنانی می‌گویند یا نظرات و فتوایی را اعلام می‌کنند که به وحدت امت اسلامی خدشه وارد کرده و آسیب می‌زنند، علت این امر چیست؟ آیا تفسیرها و برداشتها از وحدت متفاوت است؟ به نظر شما منظور از وحدت مسلمانان مذاهب مختلف چیست؟ قلمرو وحدت کجاست؟

مدنی: این تنها وحدت نیست، هر کار خوبی که در دنیا هست مثل راست گفتن،

نیکی کردن، اطاعت از پدر و مادر و ... همه انسان‌های عاقل آنها را تأیید می‌کنند منتهی مشکل در عمل کردن به این خوبی‌هاست. یعنی چیزی را که انسان خوب می‌داند، مشکل اینجاست که آیا واقعاً به آن عمل هم می‌کند؟ چرا؟ چون عمل کردن به خوبی‌ها گاهی اوقات در تعارض می‌شود با هوا و هوس یا منافع شخصی و آدم منافع شخصی‌اش را در خطر می‌بیند. مثلاً اگر یک تاجر در معاملاتش می‌خواهد جنسی را گران بفروشد خب اوصافی را برای آن جنس بیان می‌کند که در آن جنس وجود ندارد چون به دنبال پول است. خوبی هم همین‌طور، وحدت هم یکی از موضوعاتی است که این‌گونه است. یعنی هیچ‌کس وحدت را بد نمی‌داند و همه می‌گویند که باید وحدت داشته باشیم، چون هیچ‌کس منکر خوبی وحدت نیست، ولی مشکل در عمل کردن به آن است. چرا عمل کردن به وحدت مشکل است؟ یک علتش این است که هوا و هوس ایجاب می‌کند حرف تفرقه‌افکن بزنیم. گاهی اوقات منافع شخصی را در این می‌بینیم که مسلمانان را به جان یکدیگر بیندازیم. و گاهی اوقات برداشت‌های غلطی داریم که در اثر آن برداشت‌های غلط دچار تفرقه می‌شویم و بر علیه وحدت حرف می‌زنیم و مردم را به تفرقه دعوت می‌کنیم، مثلاً این برداشت‌ها را شما می‌توانید به انواع و اقسام برداشت‌ها تقسیم کنید. مثلاً برداشتی که از عقاید یکدیگر تعریف می‌کنیم، گاهی اوقات این برداشت‌ها باعث سوء تفاهم می‌شود. مثلاً اگر اهل سنت گفتند که اهل بیت معصوم نیستند، این یک برداشتش آن است که آنها مثل پیامبران معصوم نیستند، ولی معنایش این نیست که گناه‌کارند بلکه آنها را مقدس و درست‌کار می‌دانند. خب اگر به جای این که بگوییم اهل سنت اهل بیت را معصوم نمی‌دانند ولی مقدس می‌دانند و جزء اولیاء خدا و مقربین درگاه خدا می‌دانند و بعضی از آنها را مثل حضرت علی جزء عشره مبشره می‌دانند و یا حضرت فاطمه زهرا را پاره تن پیامبر می‌دانند، بگوییم سنی‌ها به اهل بیت اعتقادی ندارند، قطعاً این یک برداشت جاهلانه می‌باشد و موجب تفرقه می‌شود ولی اگر گفته شود که سنی‌ها هیچ‌کسی را به جز پیامبر معصوم نمی‌دانند یعنی خلفای راشدین و همین‌طور بقیه صحابه را هم معصوم نمی‌دانند منجر به دعوا نمی‌شود، اگر برداشت درستی از اعتقادی که اهل سنت دارند، داشته

باشیم، مشکلی ایجاد نمی‌کند. گاهی اوقات این برداشت‌هایی که ما از یکدیگر داریم برداشت‌های دقیقی نیست، یعنی مطالعه نکرده‌ایم که ببینیم واقعاً اهل سنت چه می‌گویند و در بعضی مسائل حرفشان چیست و موضوعشان چیست. خب در این نوع مسائل، راه حل آن، مطالعه است. دقت کنیم در بیان مسائل بعضی چیزهایی که ما از یکدیگر داریم واقعیت دارد یعنی نمی‌شود آنها را انکار کرد، چون شیعه یک مذهب است و سنی هم یک مذهب، اگر این دو اختلاف نداشته باشند که شیعه و سنی نیستند، یعنی برای این که شیعه، شیعه بماند اول باید یک سری اعتقاداتی داشته باشد و سنی هم همین‌طور و بعضی از این اعتقادات در تعارض با هم هستند. یعنی این که بعضی‌ها می‌گویند هیچ اختلافی نیست، این قطعاً اشتباه است. اختلاف هست و خیلی از این اختلافات هم واقعیت دارد. اما ما می‌خواهیم که این اختلافات را داشته باشیم و وحدت هم داشته باشیم. آیا این امکان هست یا نه؟ به نظر بنده هست و ما می‌توانیم اختلاف‌نظر داشته باشیم و وحدت هم داشته باشیم. چون اختلاف نظر معنایش این نیست که دعوا و جنگ داشته باشیم، نه، بنده یک فکری دارم و آن را حق می‌دانم و به یک نتیجه‌ای رسیده‌ام و هم‌چنین شما یک فکری دارید، آن را حق می‌دانید و به یک نتیجه دیگر رسیده‌اید. بالاخره درست است که من فکر خودم را حق می‌دانم و فکر مقابل را حق نمی‌دانم و بالعکس، ولی اینقدر باید به یکدیگر حق بدهیم که او خودش را حق بداند. یعنی نگوییم که از راه هوا و هوس این راه را انتخاب کرده و به نتیجه رسیده ولو این که از نظر من درست نیست و از نظر من همین درست است که من عمل می‌کنم ولی بالاخره طرف مقابل هم این چنین اعتقادی پیدا کرده است. حالا اگر کسی از اعتقاد خودش با مطالعه خودش برگشت، که مسئله جدایی است، ولی ما این عبور را در انتخاب اعتقاد خود نباید دشمن تلقی کنیم. ببینید بزرگان ما آیا در مسائل هیچ اختلافی نداشته‌اند، ولی چرا هم‌کار یکدیگر بوده‌اند؟ چرا تا آخر یکدیگر را تحمل کرده‌اند؟ پس معلوم می‌شود که اگر بگوییم اختلاف نداشته پس ما برای چه دعوا می‌کنیم و اگر اختلاف داشته‌اند پس چرا با هم همکاری می‌کرده‌اند؟ مطمئناً آنها همکاری نمی‌کردند، کنار یکدیگر نمی‌نشستند، اگر به یکدیگر مشورت نمی‌دادند، اسلام به اینجا

نمی‌رسید. آنها با وجود اختلافات فکری که داشتند باهم بحث می‌کردند، مشورت می‌کردند، و پای صحبت‌های همدیگر می‌نشستند. پس آن اختلافاتی که شیعه و سنی باهم دارند، راه‌حلش آن است که یکدیگر را تحمل کنند و غیر از این به نظرم راه حل دیگری نیست. شما نمی‌توانید این همه اهل سنت را از اعتقاداتشان برگردانید و شیعه کنید و اهل سنت هم همین‌طور. پس ناچاریم که یکدیگر را تحمل کنیم و تحمل بهترین راهی است که ما سعی می‌کنیم بدان عمل کنیم. پس تفسیر و برداشت از وحدت مختلف است و ما هم نباید به اختلافات دامن بزنیم و راه‌حلش این است که شیعه و سنی یکدیگر را تحمل کنند. شما وقتی که می‌گویید اهل سنت اعتقاداتی دارد که شما آن را یقیناً حق نمی‌دانید که اگر حق می‌دانستید آن را می‌پذیرفتید، پس تحمل آن است که او را در این راه معذور بدانید، یعنی خود را حق و طرف مقابل را معذور بدانید. منظور از وحدت تقریباً همین نکاتی است که گفته شد یعنی هر کسی به مذهب خودش آن‌طوری که حق می‌داند، بدان عمل کند و به افکار دیگری هم احترام بگذارد و دیگری را معذور بداند و او را دشمن نداند و افکار خودش را رها نکند تا زمانی که آن را حق می‌داند، ولی به افکار دیگری هم توهین نکند و احترام بگذارد.

**حبل‌المتین:** جناب استاد، برای این که وحدت و اتحاد اسلامی واقعاً عملیاتی و قابل اجرا شود نیاز به معیار و محور داریم، به نظر شما اصلی‌ترین محور و معیار وحدت بین مسلمانان چیست؟

**مدنی:** اصلی‌ترین کاری که نخست ما برای وحدت می‌توانیم انجام دهیم یک تفکر عمیقی است از جانب کسانی که در جامعه اثر گذارند که چه چیزی باعث می‌شود مسلمانان از یکدیگر دوری جویند. این مسائل را دقیق بررسی و روشن‌گری کنند و مسلمانان را دعوت به بردباری و تحمل کنند. در هر کاری که در دنیا انجام می‌دهیم باید توجه کنیم مثلاً ما وقتی می‌خواهیم مسلمانان را به وحدت دعوت کنیم بیاییم منافع وحدت را تفهیم نماییم، که منافع وحدت چیست. و با وحدت چه چیزی را بدست می‌آوریم. که آبروی اسلام بالا می‌رود و مسلمانان از سلطه غیرمسلمانان آزاد می‌شوند و

می‌توانند آزادانه آن‌طوری که دلشان می‌خواهد، به دینشان عمل کنند یعنی با اشاره دیگران حرکت نمی‌کنند، بلکه با اشاره خود اسلام حرکت می‌کنند. ما این منافع را برای مسلمانان تفهیم کنیم و ضرر عدم وحدت و ضرر تفرقه را که اگر مسلمانان تفرقه داشته باشند ما خودمان را از بین می‌بریم که خیلی از نمونه‌های آن را الآن داریم، می‌بینیم که دشمن راحت خوابیده و به عقل ماها می‌خندد، که از خود ما یک نفر به کمرش بمب می‌بندد و ده‌ها و شاید صدها نفر از مسلمانان را می‌کشد، و در نتیجه این بمب‌گذاری اقتصادمان از بین می‌رود، ناامنی ایجاد می‌شود، سیاست ما را تخریب می‌کند و ... این چیزی است که یک کودک نیز آن را درک می‌کند. آن‌هایی که خیرخواه هستند باید منافع وحدت و ضررهای تفرقه و خلاف وحدت عمل کردن و مواردی که باعث تفرقه می‌شود را برای امت اسلامی مشخص نمایند. امروزه مردم مثل گذشته خیلی از هم دور نیستند و امکاناتی مثل رادیو، تلویزیون، روزنامه، اینترنت و تبلیغات باعث ارتباطات بیشتر بین مردم شده‌اند. ما برای صحبت کردن به همه جای دنیا دسترسی داریم و برای طرح افکار اگر با اخلاص حرکت کنیم، این کارها امکان‌پذیر هست، اگرچه سخت هم باشد.

**حبل‌المتین:** همان‌گونه که استحضار دارید در دوران معاصر از شخصیت‌های سیاسی و دینی مانند امام خمینی(ره) در رابطه با وحدت امت اسلامی و حتی دولت‌های اسلامی تأکید و توصیه ندارند، اندیشه وحدت امت اسلامی از دوران مبارزه از دغدغه‌های فکری امام بوده است، لذا بعد از انقلاب این اندیشه را در غالب اعلام هفته وحدت در سالروز ولادت پیامبر که محور عملی برای وحدت مسلمین است، پیاده‌سازی می‌شود، شما نقش امام را در وحدت کنونی جهان اسلام چگونه ارزیابی می‌کنید؟

مدنی: این که بگوییم هیچ‌کس مثل امام دنبال وحدت نبود یا برای وحدت کار نکرده، بنده این را خیلی قبول ندارم. خیلی شخصیت‌ها بوده‌اند که هم عصر با امام به دنبال وحدت بوده‌اند، نصیحت می‌کرده‌اند، کتاب می‌نوشته‌اند و خلاصه این که فعالیت داشته‌اند، ولی امتیاز امام در وحدت چیز دیگری است، یعنی امکاناتی که امام از آن برخوردار بود. اولاً امام یک مرجع تقلید است، خب ما کمتر داشته‌ایم، نه در اهل سنت و نه در اهل تشیع



یک مرجع تقلید در این حد، که یک شخصیتی از نظر علمی چنین جایگاهی داشته باشد و چنین مسئولیتی را به عهده بگیرد. و دیگر امتیاز این که امام رهبر یک کشور است، کشوری مثل ایران با امکاناتی اعم از رادیو، تلویزیون، روزنامه، قدرت نظامی، اقتصادی و فرهنگی، هر کشوری این چنین نیست. با شخصیتی که در دل پیروانش و مردمش محبوب است. چنین شخصیتی نداشتیم که در این حد با این امکانات بیاید و به این موضوع توجه کند. از این جهت نقش امام بی بدیل و بی نظیر است. ما هیچ کس را در این حد نداشتیم و نداریم و انصافاً یک افق جدید، یک راه‌های جدید و یک امکانات جدیدی برای هم مردم ایران و هم خارج از ایران بعد از این که امام علم وحدت را به دست گرفتند، به وجود آمد. ما می‌توانستیم در این زمینه با این امکاناتی که داشتیم در دنیا بیش از چیزی که الان هست پیشرفت کنیم و بایستی کار می‌کردیم و هنوز نیاز به کار و همت داریم چون دشمنی قوی، در طرف مقابل خود داریم. درست است که گفته شد امام برای ترویج فکر خوب و اصیل اسلامی خودش امکاناتی داشت، ولی مگر دشمن امکانات کم دارد؟ دشمنان وحدت که همین امکانات را دارند بلکه بیشتر. بنابراین کار ما کاری نیست که تعطیلش کنیم و کاری نیست که بگوییم به پایان رسانده‌ایم، نه.

**حبل‌المتین:** از ظرفیت‌های مهم تحکیم و تقویت وحدت بین مسلمانان، مسأله فلسطین و ایام حضور در مراسم و مناسک حج است که حضرت امام و مقام معظم رهبری همواره بر اهمیت این دو تأکید دارند، به نظر شما چگونه می‌توان از این ظرفیت‌ها و ظرفیت‌های مشابه استفاده درست و ثمربخش کرد؟

**مدنی:** ما دچار یک‌سونگری هستیم، حج جای خوبی برای وحدت است، فلسطین جای خوبی برای وحدت است ولی نگاهی به عملکرد دشمن نداریم، دشمن فلسطین و حج را برای ما تبدیل به مسئله تفرقه می‌کند و ما از دشمن نباید غافل شویم. حج یقیناً جای بسیار خوبی برای وحدت است و ظرفیت بالایی دارد ولی دشمن هم با توطئه‌هایی که دارد کار کردن برای وحدت را سخت می‌نماید و هم چنین مسئله فلسطین. بنابراین ما باید خیلی هوشیارانه، آگاهانه و ماهرانه در مورد همین موارد خوبی که ظرفیت بالایی

برای وحدت دارد، عمل کنیم. اگر شما یک جزوه چهار صفحه‌ای را برای وحدت چاپ کنید، در مقابل دشمن یک کتاب چهار جلدی بر علیه وحدت چاپ می‌کند و با برنامه‌ریزی که دارد مسلمانان را وادار به تخریب اسلامی می‌کند. مشکل ما این است که دشمن ما که مخالف وحدت است بیش از ما به دنبال وحدت هستیم، فعال می‌باشد.

**حبل‌المتین:** جناب مولوی متأسفانه ما امروز شاهد جریانات ضد وحدت در جهان اسلام هستیم که به توهین و تکفیر هم می‌پردازند و این از مصائب دنیای اسلام است، برای مقابله با این جریان در بین شیعیان رهبری فتوای معروف و وحدت بخشی را صادر کردند که در آن توهین به نمادها و شخصیت‌های اهل سنت را حرام اعلام کردند و این امر با استقبال جهان اسلام مواجه شد. به نظر شما وظیفه علمای مذاهب در شرایط کنونی که افراطی‌گری به شدت با حمایت جبهه استکبار در حال توسعه هست و فتنه مذهبی هر روز موجب قتل عام مسلمانان در کشورهای اسلامی مثل عراق، مصر، سوریه، لبنان و دیگر کشورهای اسلامی می‌شود، چیست؟

**مدنی:** اولاً من خدمت شما عرض کنم که در این اختلافات و این کشت و کشتاری که شما در عراق و در جاهای مختلف کشورهای اسلامی می‌بینید، عنوان مذهب به کار می‌رود، ولی اصلش چیز دیگری است، از مذهب سوء استفاده می‌شود و الا مذهب که متعلق به سال‌های اخیر نیست، بلکه قریب به ۱۴۰۰ سال است وجود دارد، چرا در خیلی از مقاطع تاریخ این مسائل پیش نمی‌آمد و الان پیش آمده؟ معلوم می‌شود سررشته این مسائل جای دیگری است، ولی از مذهب حداکثر استفاده را می‌کنند. برای این کشت و کشتارها، مسئله‌ای که فرمودید کاملاً درست است، ولی می‌دانید که دشمن مخالف هیچ وقت از نقاط مثبت استفاده نمی‌کند، مثلاً نمی‌گویند آقا (مقام معظم رهبری) چنین فتوایی داده‌اند، مردم شما به چنین فتوایی عمل کنید، بلکه از جاهایی استفاده می‌کند که برعکس آن است. البته بنده که به دنبال وحدت هستیم، در سخنرانی‌هایم اشاره به فتوای آقا می‌کنم، پس عذری نه برای شیعه مانده و نه برای سنی. لذا شیعیان که آقا را به‌عنوان یک مرجع می‌دانند و سنی‌ها نیز بدانند که بزرگترین شخصیت جهان اسلام چنین چیزی را

فرموده‌اند، دیگر ما چه می‌خواهیم بگوییم؟ و هدف اصلی اتحاد و وحدت مسلمین است. از این رو علمای اسلام باید به روشنگری بپردازند و تبیین نمایند که نظر فلان مزدور، نظر غالب مذهب نخواهد بود، بلکه باید دید که بزرگان مذهب چه می‌گویند.

**حبل‌المتین:** جناب استاد، همایش‌های وحدت که همه ساله با حضور علمای جهان اسلام در ایام هفته وحدت برگزار می‌شود تا چه حد و چگونه می‌تواند به وحدت و تقریب عملی مذاهب اسلامی و جهان اسلام منجر گردد؟

**مدنی:** این همایش‌ها که در راه وحدت برگزار می‌شود، اگر هیچ ثمره‌ای هم نداشته باشد که دارد، حداقل آن که از کل جهان اسلام علمای شیعه و سنی کنار هم می‌نشینند و دو سه روزی با هم جلسه دارند، گفتگو می‌کنند و من فکر می‌کنم همین کلی ارزش داشته باشد، یعنی همین یک نکته‌ایست که خیلی روشن و واضح و به ظاهر هم ملموس است و همه آن را می‌بینند، به نظر من همین کافی می‌باشد حتی اگر فایده دیگری هم نداشته باشد. نکته بعدی در مورد این همایش‌ها و فعالیت‌ها با وجود وضع کنونی جهان اسلام فرض کنید اگر این برنامه‌ها هم نباشد خیلی بد می‌شود. در واقع یک سری مسائل مهم در آنجا مطرح می‌شود و تصمیماتی گرفته می‌شود و تلاش می‌کنند تا کاری انجام دهند. با این وجود باز هم ما امروز به آن جایی که می‌خواهیم، نرسیده‌ایم. پس ما هر چه می‌توانیم فعالیت‌هایمان را در این رابطه باید وسیع‌تر و بیشتر کنیم و افکار و اندیشه‌هایی که داریم را بین امت اسلامی خوب تشریح و تفهیم کنیم تا مسلمانان از افکار و ایده‌های ما مطلع شوند و بدانند که ما چه می‌خواهیم و بدنبال چه چیزی هستیم.

**حبل‌المتین:** به نظر شما چه چیزهایی عمده‌ترین موانع وحدت امت اسلامی در جهان اسلام به شمار می‌آیند؟

**مدنی:** دو چیز اینجا مطرح است، یکی موانع واقعی و یکی موانع ساختگی که دشمن برای ما ساخته از قبیل سوء تفاهمات، این که یکی را از دیگری بترسانند، این که دشمن به ما القا می‌کند که فلانی این‌طوری فکر می‌کند و این‌جوری برنامه دارد. پس بایستی

بزرگان، رجال سیاسی و آنهایی که عقل و تدبیر دارند و مصالح را می‌فهمند باید برای یکدیگر تفهیم کنند. یک‌سری موانع هم واقعی هست، آن موانع واقعی هم نه از طرف شخص خیرخواه بلکه از جانب افرادی که قبلاً هم اشاره کردم به وجود می‌آید و آنها هستند که موانع را بوجود می‌آورند. همان‌گونه که یک نادان سنگی را در چاهی می‌اندازد و هزار عاقل نمی‌تواند آن را درآورد. اگر این حرف‌های بیهوده و تهمت‌های بیهوده نسبت به یکدیگر زده نشود و برعکس، حرف‌هایی زده شود که واقعیت داشته باشد، این‌گونه نمی‌شود. شیعه و سنی باید اعتقاد خود را داشته ولی باید از اعتقاداتش چه‌جوری دفاع کند؟ این مهم است. آیا این اعتقادات را باید باعث تباهی جامعه شیعه و سنی قرار دهد؟ هر جا که این اختلافات اوج گرفته است، آنجا هم شیعه ضعیف شده و هم سنی، بلکه حتی کل اسلام لطمه خورده است. ما در نحوه بیان اعتقاد و نحوه عملکردمان آزاد هستیم ولی آیا عملی که از ما سر می‌زند به نفع آزادی است؟ یکی از مهم‌ترین موانع وحدت افراد ناآگاهی هستند که این مسائل تفرقه‌انگیز را مطرح و به نوعی پررنگ می‌کنند و به مقدسات طرف مقابل هم توهین می‌کنند.

حبل‌المتین: ارتباط و تعامل فکری اساتید و روحانیون مدارس علوم‌دینی و حوزه‌های علمیه را تا چه حد در تقریب مذاهب مؤثر می‌دانید و چه راهکارهایی را برای تحقق این تعامل پیشنهاد می‌کنید؟

مدنی: وحدت یا تفرقه موضوعاتی هستند که علما و روحانیون می‌توانند در این مسائل نقش داشته باشند، چه نقش مثبت و چه نقش منفی. در اینجا لازم است که ما تعاملمان طوری باشد که طرف مقابل از ته دل این تفکر را قبول داشته باشد و الا کارایی نخواهد داشت. همان فرقی که بین نفاق و کفر است در اینجا نیز به همان شکل آشکار می‌شود، یعنی کسی عقیده‌ای دارد و چیز دیگری را ظاهر می‌کند، یقیناً این آدم خطرناک‌تر از آدمی است که هر عقیده‌ای دارد آن را اعلام می‌کند. اگر علما جلسه‌ای برگزار می‌کنند در خصوص مسائلی که دو طرف اختلاف دارند و نمی‌پسندند، اصلاً بحث نکنند و به دنبال مشترکات باشند و اگر به فرض قرار به بحث کردن باشد، باید توجه

داشت که بحث با کسی باشد که آمادگی و سواد آن را داشته باشد. موقعی که انسان حوصله حرف زدن را دارد پس بحث کردن با آن مشکلی ندارد هر چند اختلافی هم وجود داشته باشد، شما با آن می‌توانید استدلال کنید، گفتگو کنید. نهایتاً ممکن است به نتیجه برسید و یا نرسید. ولی اگر بحث بر این اساس نباشد نتیجه عکس می‌دهد. باید بحث شود، عالمانه هم بحث و گفتگو شود. بنابراین علما باید به پررنگ کردن مشترکات و کم‌رنگ‌تر کردن موارد تفرقه‌انگیز بپردازند و عالمانه با هم گفتگو، مباحثه و مذاکره داشته باشند.

**حیل‌المتین:** یکی از اقدامات دشمنان برای مقابله با اسلام، طرح مسأله اسلام‌هراسی است و این امر تا حدود زیادی ریشه در ترس آنان از وحدت و اتحاد مسلمانان است، که موجب اقتدار امت اسلامی می‌شود، و حتی نهضت بیداری اسلامی را می‌توان ناشی از تلاش چندین ساله علمای اسلامی دانست، دشمنان ما در راه مقابله با اسلام از زشت‌ترین ابزارها استفاده کردند و جریانات افراطی را که آلت دست خودشان هستند به عنوان چهره مسلمان واقعی به جهانیان معرفی می‌کنند به نظر شما وظیفه مسلمانان در مقابله با این ترفندها و توطئه‌ها چیست؟

**مدنی:** مسلمانان واقعاً در این چند سال حرکات بسیار خوبی در کشورهای مختلف انجام داده‌اند که همان بیداری اسلامی است ولی شما شاهد هستید که بیداری اسلامی را چگونه خلط مبحث کرده‌اند در واقع دشمن ما، بیداری اسلامی را با امکانات وسیعی که دارد اعم از کمک‌های مالی و افراد نفوذی در امت اسلامی که در هر فرصتی رخ دهد، یک حرکت را عوض می‌کند، یعنی مسیر یک حرکت خوب را تغییر می‌دهند، بیداری اسلامی را به بهانه‌های مختلف و دروغ‌ها و تزویرها و با استفاده از امکانات مالی، نفوذی، سیاسی و فرهنگی که علیه کشورهای اسلامی کار کرده‌اند مصادره کرده و از آن بهره‌برداری و مسلمانان را از مسیر اصلی منحرف می‌کنند. راهکار آن این است که اولاً آنها با برنامه‌ریزی حرکت می‌کنند و در واقع برنامه‌هایی که سال‌ها قبل اندیشیده‌اند و احزاب مختلفی را رقیب یکدیگر درست کرده‌اند، که اگر یک حزب کار خوبی انجام

می دهد، برای عقب افتادن کار حزب دیگری آن کار خوب را خنثی می کند. این کار علما و اندیشمندان اسلام است که باید امت اسلامی را از خطرات تهدید کننده آگاه سازند و این کاری است که البته طول می کشد. در صورتی که دشمنان برنامه ریزی قوی برای سال های سال انجام داده اند تا اگر قرار باشد کار خوبی انجام شود آنها از قبل پیش بینی کرده اند، تا بتوانند آن را خنثی کنند. و برای مقابله با آن با همان تدبیر، با همان برنامه و با اتحاد که حرف اول و آخر را می زند، باید عمل کرد، البته نحوه اتحاد هم مهم است که باید توجه کرد.

حبل المتین: جناب مولوی به بخش های پایانی مصاحبه نزدیک شدیم، از آنجا که در آستانه ایام پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی قرار داریم، که با وحدت و هم دلی مردم حاصل شد، اگر اجازه بفرمایید، سؤالات پایانی را در رابطه با وحدت ملی، مطرح کنیم، شما رابطه وحدت ملی و امنیت ملی را چگونه ارزیابی می کنید؟

مدنی: وحدت ملی یا وحدت مذهبی و یا وحدت امنیتی، همه این ها به یک نقطه اساسی نیاز دارند، مسئولین امر باید در کارهایشان دو چیز را لحاظ کنند: ۱- تصمیم گیری درست ۲- عدالت نه به معنای مساوی بودن همه با هم، بلکه هر چیزی در جای خودش قرار گیرد و هر کسی متناسب با ظرفیت خودش و دادن حق به هر کسی که مستحق آن است. در حکومت های مختلف خیلی وقت ها بسیاری از غیرمسلمان ها ترجیح می داده اند در حکومت اسلامی زندگی کنند، این بدین جهت است که عدالت برقرار شده است، چون امنیت در آن برقرار است و همه از آن رضایت دارند. پس همه چیز با عدالت و انصاف درست می شود. ما در کشور یک سری مشترکات و تفاوت ها داریم، شما این مشترکات را برجسته کنید. همه می دانند که اگر ایران نباشد هیچ کس نیست، نه ترک نه کرد نه فارس نه عجم و نه عرب. اگر ایران آباد باشد همه آبادند و اگر ایران فقیر و ویران باشد همه ویرانند. این چیزی است که اصلاً ربطی به مسلمان بودن و غیرمسلمان بودن هم ندارد. غیر مسلمان و مسلمان (شیعه، سنی، مسیحی، زرتشتی و ...) در کشور زندگی می کنند و بالاخره در اکثر مسائل اجتماعی مشترکاتی دارند و طبیعتاً منافع کشور برای

همه است و خرابی‌هایش نیز همین‌طور. البته مردم ایران تا الآن خوب عمل کرده‌اند و جای نگرانی ندارد، بلکه نگرانی ما از آنجا است که دشمنان ما غافل نیستند و ممکن است وضع خوب ما را به وضع بدی تبدیل کنند پس همان اول باید جلوی ضرر را گرفت که روزی خدای نخواستہ چیزی که باعث تقویت جامعه می‌شود حالا باعث تفرقه و افتراق و تضعیف جامعه نشود.

**حبل‌المتین:** اگر بخواهیم آسیب‌شناسی از وحدت ملی در کشور خودمان داشته باشیم، شما به چه مواردی اشاره خواهید کرد؟

مدنی: ما در بلوچستان و کردستان و مناطق مرزی که لازم نیست حتماً سنی‌نشین یا شیعه باشند یک سری محرومیت‌هایی از قبل بوده اما خدمات نظام بعد از انقلاب خیلی بوده است و قابل مقایسه با زمان قبل از انقلاب نیست، چون همه مناطق اکثراً نه آب داشتند و نه برق و نه جاده. از این دیدگاه بعد از انقلاب خیلی خدمت شده ولی اگر شما امکانات موجود را در نظر داشته باشید، چون دشمن قبل از انقلاب و بعد از انقلاب را کاری ندارد، بلکه می‌گوید که تهران چقدر عالی است و سیستان چقدر محروم! چرا؟ اگر چه امکانات ما کم است ولی لازم است به این نقاط ضعف که دشمن از آن سوء استفاده می‌کند، تلاش شود مردم توجیه شوند که از قبل چیزی نبوده و الآن چند سال طول کشیده تا این اقدامات خوب انجام گرفته، پس طبیعتاً تهران که از قبل امکانات بیشتری داشته الآن هم بهتر از همان مناطقی است که از قبل امکانات نداشته‌اند. از این جهت ما دولت را معذور می‌دانیم ولی در عین حال دشمن که این حسن نیت را ندارد. پس باید در جهت رفع محرومیت‌ها حداکثر کوشش شود.

**حبل‌المتین:** سؤال پایانی ما در رابطه با مجله حبل‌المتین است، نقش این فصلنامه را در تقویت وحدت و تقریب بین مذاهب اسلامی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

مدنی: من فرصت مطالعه مستمر مجله را به دلیل مشغله‌های فراوان نداشته‌ام، ولی پیشنهادی دارم و آن این‌که شما نظر سنجی کنید بدون این‌که از کسی اسمی برده شود، که

اگر ایرادی هست اعلام و پیشنهادات ارائه شود. در اولویت کاری خود یک ارزیابی هم از کلیه خوانندگان برای رصد موضوعات داشته باشید.

حبل المتین: در پایان اگر توصیه و مطلبی برای ما یا برای طلاب و روحانیون اهل سنت دارید، بفرمایید.

مدنی: توصیه‌ای خاصی ندارم، موفق باشید.

حبل المتین: جناب مولوی از این که وقت گرانبهای خودتان را به مجله حبل المتین اختصاص دادید، از شما تشکر می‌کنیم.

